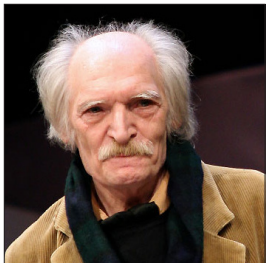


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

از کار گری تا خلق شاهکارهای ادبی



محمود دولت‌آبادی نویسنده نامدار معاصر و خالق رمان باشکوه «کلیدر» دهم تیرماه سال ۱۳۱۹ در دولت‌آباد بیهق، در خانواده‌ای روستایی که از راه کار بر زمین سخت کوبر؛ روزگار می‌گذرانند متولد شد. کودکی‌اش در روستا سپری شد و تأثیر این سال‌ها باعث شد «رمان روستایی» در آثار او به اوج شکوفایی برسد.

دولت‌آبادی هم‌زمان با تحصیل به کارهای گوناگونی از جمله کفاشی و سلمانی و کارگری در کارخانه می‌پرداخت.

در ۲۰ سالگی به تهران مهاجرت کرد و برای جامه عمل پوشاندن به دغدغه‌های اصلی ذهنش به کار نوشتن و بازی در تئاتر مشغول شد و از راه کارگری در چاپخانه نیز امرار معاش می‌کرد.

نخستین داستانش به نام «ته شب» سال ۱۳۴۱ در تهران منتشر شد. از آن پس کار نوشتن را به صورت جدی و با پشتکار فراوان ادامه داد و از سال ۱۳۴۷ داستان‌هایش در نشریات ادبی و به صورت کتاب به چاپ رسید و برایش شهرت زیادی را به بار آورد. مهم‌ترین شاخصه آثار دولت‌آبادی نثر اوست که در اوج جذابیت و زیبایی قرار دارد؛ نثری زنده، جذاب، اثرگذار و با قدرت انتقالی شگفت که گویی خواننده تمام شخصیت‌ها و مناظر و پدیده‌های طبیعت را که او توصیف می‌کند، به چشم می‌بیند.

مهارت او در توصیف قهرمانانش چنان است که تا مدت‌ها پس از مطالعه داستان، سیمای یک‌یک آنان در ذهن می‌ماند. این قهرمانان، کردان کوچیده به روستاهای خراسان و چادرنشینانی ایلیاتی‌اند که با گله‌داری و کشاورزی روزگار می‌گذرانند. از دیگر آثار درخشان دولت‌آبادی می‌توان به «جای خالی سلوچ» و «اوسنه بابا سبحان» اشاره کرد.

خودزنی / محیط‌زیست

بازداشت شکار چپانی که با موتور هوندا، آهو شکار کردند

به نقل از پایگاه خبری دیده‌بان محیط‌زیست و حیات وحش ایران:
دوروز قبل نیروهای یگان محیط زیست پناهگاه حیات وحش موته از ورود دو موتورسیکلت مشکوک به درون دشت مطلع شدند. فرمانده یگان محیط زیست استان اصفهان در این باره گفت: محیط‌بانان بلافاصله راهی محدوده مورد نظر شده‌و پس از مدتی جست‌وجو و دوربین کشی دو موتورسیکلت را مشاهده کردند که یکی از آنها در حال خروج از دشت بود و موتورسیکلت دوم در نقطه‌ای توقف کرده بود.

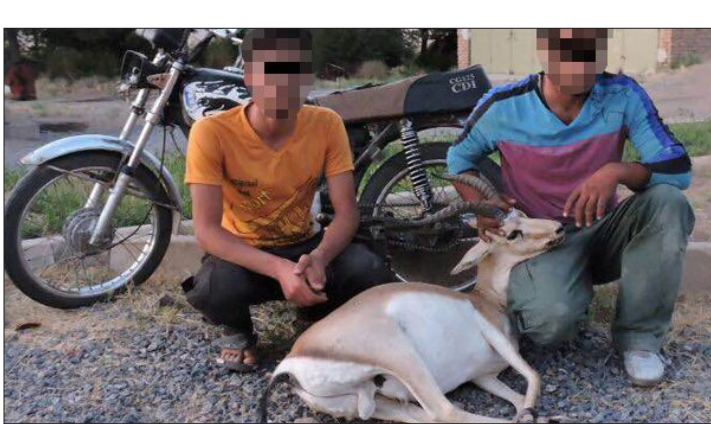
مرئضی جمشیدیان اظهار داشت: محیط‌بانان جهت بررسی موضوع به سمت موتورسیکلتی که در منطقه توقف کرده بود حرکت کردند اما راکب موتور پس از مشاهده مامورین موتور را رها کرده و با پای پیاده به سمت کوه فرار کرد. محیط‌بانان نیز به تعقیب وی پرداختند و پس از مدتی تعقیب و گریز متخلف فراری را بازداشت کردند.

فرمانده یگان محیط زیست استان اصفهان گفت: مامورین در کنار موتورسیکلت متخلف یک آهوی زنده را مشاهده کردند که دست و پای حیوان با طناب بسته شده بود. متخلفین بوسیله موتورسیکلت آهو را تعقیب کرده وپس از خسته شدن حیوان، او را زنده‌گیری کرده بودند. متاسفانه تلاش محیط‌بانان برای نجات جان آهو بی‌نتیجه بود و آهوی خسته دقایقی بعد تلف شد.

محیط‌بانان در بازجویی از متهم متوجه شدند نفر دومی که در ابتدا با موتورسیکلت از منطقه خارج شد، قصد دارد برای حمل لاشه آهو با یک اتومبیل به منطقه بازگردد.

متخلفان پس از شکار آهو به وسیله موتورسیکلت قصد داشتند برای جابجایی لاشه و انتقال آن از درون دشت به روستا از اتومبیل استفاده کنند تا کسی آهو را مشاهده نکند. مرئضی جمشیدیان اظهار داشت: مامورین لحظاتی بعد یک خودروی پیکان را مشاهده کردند که وارد دشت شده و به سمت محل حضور آنان در حرکت است.

راننده خودروپس از نزدیک شدن به محل دستگیری دیگر متخلف، با مشاهده خودروی محیط‌زیست دور زده و با سرعت زیاد متواری شد. محیط‌بانان نیز به تعقیب خودروی متخلف پرداخته و سعی کردند آن را متوقف کنند اما راننده پیکان بدون توجه به فرمان ایست مامورین همچنان با سرعت مشغول فرار بود. محیط‌بانان نیز با رعایت قانون به کاریگری سلاح به سمت خودروی متواری شلیک کرده و لاستیک‌های آن را هدف قرار دادند. مرئضی جمشیدیان اظهار داشت: با شلیک مامورین و پنجر شدن لاستیک‌ها، خودروی پیکان مجبور به توقف شده و راننده آن توسط محیط‌بانان دستگیر شد. هر دو متهم پس از تنظیم صورت‌جلسه تخلف جهت رسیدگی به جرم شکار غیر مجاز یک آهو به مراجع قضایی معرفی شدند.
عده‌ای از متخلفین در شیوه‌ای بی‌رحمانه به وسیله موتورسیکلت در دشت به تعقیب گونه‌های دشت‌تزی همچون آهو می‌پردازند. آهو پس از مدتی بر اثر دودیدن زیاد و خستگی مفرط قادر به حرکت نبوده و در این زمان آهوی خسته توسط متخلفین کشته شده یا به مکانی دیگر منتقل می‌شود. حتی در صورت زنده‌گیری نیز آهو به دلیل استرس و دوندگی بسیار زیاد دچار پارگی و خونریزی اندام داخلی از جمله طحال و ریه شده و پس از مدت کوتاهی از بین می‌رود.



فارسی را پاس بداریم

«بو» رانمی توان انتقال داد!

حافظ علی‌ه‌الرحمه فرموده است:

از هر طرف که رتمم جز وحشتم نیفزود

ز نهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت

زبان حال بنده در مواجهه با سیل غلط‌نویسی در زبان فارسی همین بیت خواجه شیراز است. حقیقتا به وحشت افتادم. در ایام ماضی در این باب بسیار غر و لند کردم که غلط‌نویسیی شایع شده است و همچون آتشی در بیستان زبان فارسی افزاده و مشغول سوزاندن تر و خشک با هم است. برای مثال دیروز در نوشته دوست بزرگواری که بنا به دلایلی منتشر را به من سپرده بود، خواندم: «یکی کردن فضاهای بهداشتی علاوه بر دادن کیفیت بهتر و همچنین ممانعت از انتقال بو و آلودگی به واحدهای تجاری، فضای مفید بیشتری را در اختیار واحدها قرار می‌دهد». با نهایت احترام به آن دوست بزرگوار که از قضا معماری زبردست است و در رشته خود صاحب علم و دانش کافی و وافی است، باید عرض کنم آنچه نوشته تماما غلط

| اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۴۰ | اذان ظهر ۱۲:۳۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۰ | اذان مغرب: ۲۰:۱۵

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

حاصل تلاشی نقاش مرده!

«موزه معصومیت» اثر اورهان پاموک به ایران رسید

رمان «موزه معصومیت» نوشته اورهان پاموک که خودش آن را حاصل تلاش نقاش مرده درونش می‌داند، به ایران هم رسید.

اورهان پاموک نویسنده ترک برنده جایزه ادبی نوبل، حدود ۶سال روی این رمان وقت صرف کرد و در نهایت این اثر خارق‌العاده را با این جمله عاشقانه آغاز کرد: «می‌دانستم که این لحظه شادترین لحظه زندگی‌ام است».

وقتی «موزه معصومیت» را می‌خوانید، فقط عشق نیست که در آن تجلی پیدا می‌کند بلکه دوستی، پیوند، جذایبات، خانواده و خوشبختی هم مورد بحث قرار می‌گیرد و می‌بینید که دلنان نمی‌خواهد از دنیای رنگی کتاب خارج شوید.

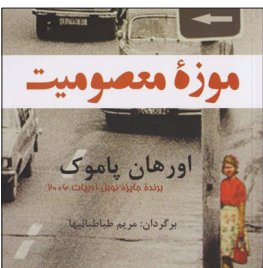
داستان این رمان که در محله‌های بالای شهر استانبول مثل نیشانتاشی، چوکورکوما، تقسیم، حربیه و بی اوغلی – محله‌هایی که نقشی کلیدی در زندگی خود پاموک داشته‌اند – می‌گذرد، روایت‌کننده سرگذشت یک مرد ثروتمند استانبولی به نام «کمال» است که به عشق دختری از طبقه فرودست جامعه به نام «فسون» گرفتار می‌شود.

«موزه معصومیت» رمانی است که سنت‌ها و آداب و رسوم دست‌وپاگیر حاکم بر جامعه ترکیه در آن در قالب یک ماجرای عاشقانه به تصویر کشیده می‌شود. اورهان پاموک در این رمان می‌کوشد حقیقت تابوهای اجتماعی و سنتی و نقش آنها را در زندگی ۷۰ سال اخیر مردم ترکیه به نمایش بگذارد. زندگی مردمی که بین فرهنگ غربی و ساختار یک جامعه سنتی در حال پوست انداختن‌اند.

اورهان پاموک در جواب این سوال که چرا از رمان نویسی به موزه‌داری کشیده شده است، گفت: در فاصله ۲۷ تا ۲۲ سالگی دوست داشتم نقاش شوم. در اعماق وجودم یک نقاش مرده وجود

دلَم در عاشقی آواره شد
آواره‌تر بادا
تنم از بیدلی بیچاره شد
بیچاره‌تر بادا
گر ای زاهد، د‌عای خیر می‌گویی
مرا این گو
که آن آواره از کوی بتان آواره‌تر بادا
(امیر خسرو دهلوی، قرن هفتم، غزلیات)

سوت پایان



موزه معصومیت
نویسنده: اورهان پاموک
مترجم: مریم طباطبایی‌ها
ناشر: پوینده
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۹ هزار تومان
صفحه ۵۰۴

موزه معصومیت
نویسنده: اورهان پاموک
مترجم: مریم طباطبایی‌ها
ناشر: پوینده

موزه معصومیت «جزییات فراموش‌شده‌ای از استانبول سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ را در دل خود جای داده است؛ از پلیت‌های سینما گرفته تا قوطی کبریت‌ها، از شیشه‌های کوچک و بزرگ و رنگارنگ نوشیدنی‌ها گرفته تا مجسمه‌های ظریف و هزاران شیء مختلف که در کنار فیلم‌ها و عکس‌های مرتبط با استانبول در این موزه به نمایش گذاشته شده است.

گردش روزگار برعکس است



پرواز را به خاطر بسپار / پرنده مردنی است... (فروغ فرخزاد)

طرح: نوید شریفی

با کاروان حله / اخبار هنر

مردی که بی گمان مرده است

به نظر می‌رسد پس از پایان فصل ششم «بازی تاج و تخت» این سریال در دو فصل دیگر نیز ادامه یافته و حتی این امکان نیز وجود دارد که پس از پایان بافتن سریال، مجموعه دیگری در ادامه آن ساخته شود.

مایکل لومباردو مدیر HBO پنج‌شنبه ۸ مرداد به خبرنگاران گفت: «ما هیچ‌ک در مورد پایان سریال در هفت فصل صحبت نکرده‌ایم، سوال این است که پس از پایان فصل هفتم چقدر از کار این مجموعه باقی‌مانده است.»

او گفت خالقان این برنامه دیوید بنیاف و دن وایس، «احساس می‌کنند که این برنامه دو سال پس از فصل ششم نیز ادامه خواهد یافت.»

او در پاسخ به سوالی در مورد احتمال ساخت مجموعه‌ی دیگری در پس پایان «بازی تاج و تخت» و در ادامه این سریال گفت: «آغوش من به روی تمام نظرات دیوید و دن باز است... حجم عظیمی از داستان‌های «بازی تاج و تخت» در آن مجموعه باید واکاوی شوند.»

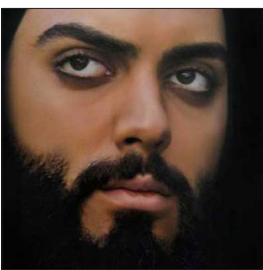
اما تکلیف مهم‌ترین پرسش این روزهای طرفداران بسریال «بازی تاج و تخت» چه می‌شود؟ آیا جان اسنو واقعا مرده است؟ لومباردو در این باره گفت: «او مرده است... این تمام آن چیزی است که من دیده‌ام، شنیده‌ام، و خوانده‌ام. جان اسنو حقیقتا مرده است.»

«بازی تاج و تخت» امسال در فصل پنجم نمایش خود به طور متوسط ۲۰ میلیون تماشاگر طرفدار خود را در آمریکا سرگرم کرده و ۲۴ عنوان نامزدی برای جایزه امی داشته است.

است. بنده فعلا کاری به کار اغلاط دستوری و مشکلات زبانی این دو خط نوشته ندارم. امروز می‌خواهم به اشتباهاتی اشاره کنم که پیش از آنکه نوشتن را بیاغازیم در ذهن ما رخ می‌دهند. ما معمولا به معنای دقیق واژه‌ها توجه نمی‌کنیم. متن فوق را از آن جهت در اینجا ذکر کردم تا یکی از مصادیق این بی‌توجهی را با هم از نظر بگذرانیم. به عبارت «انتقال بو» در متن فوق دقت کنید! در بدو امر به نظر نمی‌رسد این عبارت مشکلی داشته باشد، اما مشکل دارد: آن هم از نوع اساسی‌اش! چرا؟ عرض می‌کنم.

«بو» رانمی توان انتقال داد. انتقال از ریشه «نقل» به معنی جابه‌جایی است. حرف و سخن را می‌توان نقل کرد، اشیاء را می‌توان انتقال داد اما بو را چگونه می‌توان انتقال داد؟ آیا «بو» را می‌توان توی جعبه گذاشت و از یک طبقه ساختمان به طبقه‌ای دیگر برد؟ مسلما خیر. پس چرا ما هنگام نوشتن به این امر بدیهی توجه نمی‌کنیم؟ چون از ابتدا به معنی واژه انتقال، بوی توجه بوده‌ایم. حواسمان را به این جمع نکرده‌ایم که انتقال، نیازمند فاعلی است که چیزی

شکایت از ارشاد و پاسخ سخنگوی وزار تخانه



با شکایت محمدرضا درویش به دیوان عدالت اداری، حالا حسین نوش‌آبادی سخنگوی ارشاد نسبت به این اقدام درویش واکنش نشان داده است. پس از آنکه حسین نوش‌آبادی سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست خبری خود با اهالی رسانه در مورد سرنوشت فیلم سینمایی «رستاخیز» سخن گفت واکنش‌ها آغاز شد. پس از فراز و فرودهای بسیار درباره فیلم رستاخیز، دست آخر با معرفی فیلم

«مردن به وقت شهریور» به جای فیلم «رستاخیز» احمدرضا درویش به دیوان عدالت اداری شکایت کرد و حالا حسین نوش‌آبادی در گفت‌وگو با ایلنا و در واکنش به این کار درویش گفته است که وزارت ارشاد نسبت به اکران فیلم‌هایی که مجوز ساخت و نمایش دارد خود را متعهد می‌داند و درباره فیلم «رستاخیز» نیز این کار صورت گرفت. اما زمانی که فیلم اکران شد برخی از بزرگان و مراجع نگرانی‌هایی در باره نمایش چهره‌های شخصیت‌های مقدس ابراز کردند و ما نیز با احترام به این نظرات تصمیم گرفتیم اکران این فیلم فعلا تعلیق شود و اصلا بحث توقیف یا تعطیلی فیلم در بین نیست.» سخنگوی ارشاد ادامه داد: «اینکه به دیوان عدالت اداری شکایت شده و اعلام شده ارشاد فیلم را متوقف کرده؛ درست نیست بلکه فیلم تعلیق شده است و شخص علی جنتی وزیر ارشاد نیز معتقد است که فیلم می‌تواند اکران شود اما باید روی چهره حضرت عباس (ع) نور تابانده شود.» نوش‌آبادی افزود: «لذا وزارت ارشاد شخصا مانع اکران فیلم نشده و ما اکران فیلم را تعلیق کرده‌ایم تا مشکلات برطرف شود و فیلم مجدد اکران شود.»

را یا سخنی را از جایی به جای دیگر می‌برد حال آنکه «بو» برای جابه‌جایی نیازی به کسی ندارد و خود به خود جابه‌جا می‌شود. بنابراین دوست بزرگوار بنده باید به جای عبارت صد در صد غلط «انتقال بو» می‌نوشت: «سرایت بو»، بله، به همین سادگی. بو سرایت می‌کند و نیازی به انتقال ندارد.

ما برای درست‌نویسی علاوه بر آگاهی از اصول اولیه و ابتدای دستور زبان باید به معانی واژه‌ها نیز توجه کنیم تا بندهم هر واژه را کجا باید به کار برد و کجا نباید. دکتر سمیعی‌گیلانی که عمر خود را بر سر زبان فارسی نهاده است معتقد است: «از میان تعابیری که برای بیان مقصود به ذهن نویسنده می‌رسد، آن باید اختیار شود که هم روشن‌تر و رساتر هم مقتضی موقع و مقام و وزن و اعتبار و سبک باشد. به‌خصوص، در انتخاب صفت و قید باید مواظب بود که بر موصوف و عمل فعل چیزی بیفزاید و خشوو بی‌نقش نباشد یا، در اثر تکرار، بار معنایی آن ضعیف نشده باشد که تعبیر را متبدل سازد...».